

سرشناسه	: هولمز، مارجوری، ۱۹۱۰ - م. Holmes, Marjorie
عنوان و نام پدیدآور	: گفتگوهای یک زن با خدا a woman's conversations with God نوشته مارجوری هولمز؛ برگردان اکرم مریخ نژاداصل.
مشخصات نشر	: تهران: ارغوان مهر، ۱۴۰۲
مشخصات ظاهری	: [۱۴۹] ص.
شابک	: 978-600-96447-6-6
وضعیت فهرست نویسی	: فاها
یادداشت	: عنوان اصلی: I've got to talk to somebody, God. a woman's conversations with God.
موضوع	: زبان -- کتاب‌های دعا Women -- Prayers and devotions مناجات* Monajat
شناسه افزوده	: مریخ نژاداصل، اکرم، ۱۳۴۲، مترجم
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۶ ۷۷۵۹ه/۴۸۴۴BV
رده بندی دیویی	: ۶۴۳/۳۴۳
شماره کتابشناسی ملی	: ۳۹۰۴۳۳۱
اطلاعات رکورد کتابشناسی	: فاها

ناشر: ارغوان مهر

نویسنده: مارجوری هولمز

مترجم: اکرم مریخ نژاد

عنوان: گفتگوهای یک زن با خدا

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۶۴۴۷-۶-۶

طراح جلد: فاطمه مریخ نژاداصل

اجرای طرح جلد: مهزاداله وردی آشتیانی

تیراژ: ۲۰۰ جلد

نوبت چاپ: چهارم

قیمت: ۸۸۰۰۰ تومان

<http://arghavanmehr.ir>

مقدمه نویسنده

دکارت^۱ اعتقاد داشت: "چون فکر می‌کنم، پس هستم."
و من می‌گویم: "چون دعا می‌کنم، پس هستم."
دعا، نزد افراد اندیشمند، جزء جدایی‌ناپذیر زندگی است. در حال دعا کردن هستیم حتی وقتی به درگاه الهی، فریاد برمی‌آوریم، و از "چراها" می‌پرسیم؛ از او بخشش می‌طلبیم. فراخواندن آن گوهر بی‌همتا، آن نیروی توانای یکتا، شما را خشنود می‌سازد؛ از ازل تا ابد، پیوسته، انسان با تمایلی فطری در تلاش است تا روزنه‌ی ارتباطی با آفریننده‌ی خلقت اسرارآمیز بیابد. برای رسیدن به امیدها و آرزوها، در پی کسب، لطف و رحمت خداوند باشید؛ شعله‌های عشق به خدا را در دل‌هایتان فروزان نمایید. تنها اوست که همیشه برای گفتگو با ما وقت دارد؛ و ما، محتاج گفتگو با او هستیم؛ به خصوص در زمان ناامیدی و مواجهه با مشکلات و رنج‌ها. کسانی که در گذشته آیات و سرودهای الهی را می‌خواندند، وظیفه مهمی به عهده داشتند؛ آنها باید برای جنگاورانی دعا می‌خواندند که پس از نبرد خونین، در دامنه کوه‌ها بر زمین افتاده بودند؛ یا برای چوپانی که در پی گله گوسفندانش در دامنه کوه‌ها روان بود و برای خلاصی از شر دشمنانش و رهایی از درد و رنج خطاها، افسوس و پشیمانی‌ها، رؤیاهای درهم‌شکسته، به سختی و نومیدی برای کسب آرامش و درخواست ملتمسانه یاری، دعا می‌خواند. گاهی اوقات، انسان از میان سختی‌ها راهی به سوی خداوند متعال می‌یافت؛ و به شوق و اشتیاق بیشتری می‌رسید و دوباره از شعله‌ور شدن

^۱ Descartes: ۱۶۵۰-۱۵۹۶ فیلسوف فرانسوی و ریاضی‌دان.

شور، شمع وجودش برای یافتن و شناختن خالق خویش گفتگو می کرد. امروز، از آن کوه‌های ساکت و خاموش تعداد بسیار کمی برجای مانده. رشد جمعیت، ازدحامی غیرقابل وصف به وجود آورده که از هر سو به وسیله رادیو، تلویزیون، صنعت نشر و رسانه‌های مختلف ارتباطی محاصره شده است. آموختن زبان، حتی از سنین بسیار پایین، آسان است؛ ارتباطات تبدیل به بت شده است.

با این وصف، امروزه، ارتباطات حقیقی بسیار کمیاب است. جراحات‌ها و فشارهای زندگی در میان گروه‌های متعددی از مردم ما را به عمق درون خود می‌رانند. با وجود همه صحبت‌هایی که در اطراف ما ردوبدل می‌شود، هر کدام از ما در زندان تنهایی خود محبوس هستیم. تنهایی مانند حفاظی است که در آن از خود، در مقابل ترس‌ها و هیجان‌ها حمایت و محافظت می‌کنیم؛ گاهی حفاظ تنهایی، غیرقابل تحمل می‌شود، مگر این که خداوند را در آنجا بیابیم. من در کلیسایی محافظه کار، قلبم می‌تپد و بسیار معنوی بزرگ شدم؛ آنجا، پیوسته دعا‌های دسته جمعی، با شور و هیجان و باشکوه برگزار می‌شد، که بهانه‌ای بود تا آنچه در خلوت خویش زمزمه می‌کردیم، با دیگران به حد نهایت و اعلیٰ برسانیم. اما نوع دیگری از دعا کردن وجود داشت که از آن زمان تاکنون محرک و راهنمای من بوده است و هم‌چنین در شیوه نگاه من به دعا مؤثر است. صدای او صدایی است که حتی پس از سال‌ها تبلیغ بی‌خدایی و کفرورزی‌ها و عقایدی که به علم محدود بشر پای‌بند و بسیاری از انسان‌ها بازپچه آن می‌شوند، خاموش و ساکت نمی‌شود. این صدا به‌طور اتفاقی، مرا از فلسفه عقل‌گرایی، نجات داد. نظریه اتفاقی بودن جهان، با قوانین تغییرناپذیر آن، پیچیدگی‌های باورنکردنی و

بسیاری از اشکال مختلف زندگی، شکوه و عظمت ذهن به‌تنهایی همه در کنار هم، همه دلیلی است که حقیقت از واقعیت بسیار فاصله دارد. من جستجوی صادقانه‌ای، برای یافتن خداوند و دستیابی به روشنگری معنوی آغاز کردم. در طی این دوران کتاب‌های زیادی خواندم که بعضی از آنها بسیار مفید بود. بسیار ساده آموختم، برای تمام افراد در هر شرایط و وضعیتی که هستند باید رحمت و آموزش طلب کنم؛ به هر شیوه ممکن طالب اصلاح آنان باشم؛ و با ضربات پیوسته و آهسته به منبع اسرارآمیز انرژی و شادی متصل شوم. من از میان حقایق به قدیمی‌ترین و جهانی‌ترین حقیقت ممکن دست‌یافتم که، "حقیقت این است که کمک خداوند پیش از داده شدن، دریافت شده است." اما، هر بار که این کتاب‌ها و نوشته‌ها تلاش کردند تا قواعد این باور را بیان کنند، آداب و رسوم دعا را برای بهتر شنیدن و اجرا شدن، بیان کنند، سبب گمراهی من گشتند. و من ناخودآگاه، مقاوم و بی‌قرار می‌شدم. شکی نیست که آنها برای کسانی که در جستجوی کسب اسرار رضایت و خشنودی بسیار ارزشمند هستند، اما برای میانه‌روها، افراد پرمشغله، پرتوجویان، افرادی با نواقص شخصیتی، باید مسیر مستقیم و در دسترس باشد.

در حالی نیمه آگاهانه، دریافتم فقط زمانی واقعاً احساس ارتباط با خداوند را دارم که از ته دل طالب هستم، و این شامل دفعاتی بود که بی‌اختیار و به‌سادگی بدون قصد و اراده قبلی، با نگرستن به سوی بالا؛ ادای کلماتی از صمیم قلب؛ خواندن سرودهای روحانی؛ حتی گاهی اوقات در رقصیدن و شنا کردن و یا شست‌وشو و نظافت خانه، کمک و پاداش الهی را دریافت می‌کردم. زمانی که احساس می‌کردم نیازمندم، با کسی حرف

بزنم، چه کسی را از او بهتر می‌یافتم؟ این حس که می‌توانم با او گفتگو کنم و مراتب قدردانی و سپاسگزاری خود را از گذر، کارهای ساده با ستایش او همراه سازم، مرا نیرومند می‌ساخت و اعتقاد راسخ مرا پرورش می‌داد. درحالی که، شرایط به‌خوبی پیش می‌رفت و بیان‌گر این بود که عبادت به مکان مقرر هدایت می‌شود، من در باورهای خود ایمان می‌آوردم. مهم‌ترین شکل عبادت این است که هر جا که باشیم، او را ببینیم و آنگاه در حال عبادت هستیم. محراب‌ها منحصر به مکان‌های مقدس نمی‌شوند، محراب تو شاید میز کار تو باشد؛ دستگاهی باشد که تو با آن کار می‌کنی؛ شاید اجاق گاز آشپزخانه تو باشد. خداوند عشق و زندگی می‌تواند از هر کاری که برای کسب رضایت خدا و در جهت منافع مردم باشد، شناخته شود و مورد ستایش قرار گیرد؛ اگرچه حتی تایپ یک نامه، جفت کردن کفش و یا آماده نمودن شام برای اعضای خانواده باشد.

فرستادگان خداوند مانند یک انسان بر روی زمین راه می‌رفتند؛ نیازهای مردم را نظارت و مدیریت می‌نمودند. آنها به زبان مردم زمانه‌ی خود صحبت و به‌طور حتم، به شیوه‌ای ساده و صمیمی رفتار و عمل می‌کردند.

کلماتی را که در این کتاب دنبال خواهید نمود، از گفتگوهای یک زن با خداوند است؛ هر زنی، به احتمال زیاد، بارها ماهیت ذاتی خود را احساس و بیان می‌کند. توان گفتگو با خداوند، پریشانی و دل‌تنگی‌های ما را آشکار می‌سازد که این ظهور، منجر به دریافت آگاهی جدید، خودشناسی، مشارکت، صمیمت و همدلی می‌گردد. امیدوارم دعاها منجر به تجدید حیاتی شگرف و عظیم و یافتن خداوند شنوا، عاشق و حاضر برای کسب آرامش و آسایش گردد.